

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۵۸۶

جمعه ۲۱ آذر ۱۳۹۳، ۱۲ دسامبر ۲۰۱۴

یادداشت‌های هفته

همید تقوایی

گسترش زاغه نشینی در کشور آیت الله های میلیاردر!

کارد دسته خودش را نمیببرد!

راسیسم و اسلامیسیم دو روی یک سکه اند!

صفحه ۸

**یک گام به پیش
علیه اسلام سیاسی**

**مصاحبه کیوان جاوید با مریم نمازی و
فریبرز پویا**

صفحه ۳

**جبهه سوم، جبهه ای علیه
فاشیسم اسلامی و همه نیروهای
راسیست و دست راستی!**

شورای مرکزی اکس مسلم - آلمان

صفحه ۱۰

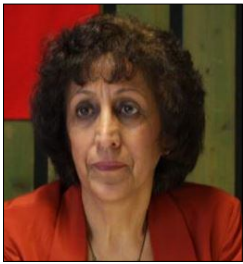
**گرانی نان، ارزان شدن جان
آدمیزاد!**

حزب کمونیست کارگری در باره افزایش قیمت نان

صفحه ۲

گرانی نان را نمی پذیریم

شهلا دانشفر



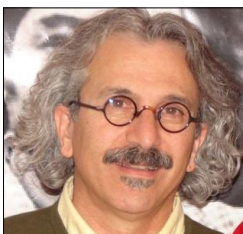
شرایطی که نان را گران کردند

رژیم اسلامی در طول سی و شش سال تلاش کرده است تا با تحمیل دستمزدهای چند بار زیر خط فقر، تحمیل قراردادهای موقت کاری، بیکارسازیها و محرومیت مردم از هر گونه تأمین بار بحران اقتصادی اش به دوش مردم بیندازد، تا برای خود بقا بخرد. آخرین طرحشان، حذف چندبرقاز سوبسیدهایی بود که به کالاهای اساسی مورد نیاز تعلق میگرفت، تحت عنوان اجرای طرح هدفمند کردن یارانه "که در طی چندین سال از زمان دولت رفسنجانی زمینه چینی میشد و سوت آغازش را احمدی نژاد زد و دولت روحانی بر ادامه اش تأکید گذاشت. و در ادامه این سیاست است که جانبان اسلامی کل جامعه را تا به امروز به چنین سطحی از فقر و تباهی

گران شدن نان شوک مصرفی دیگری بر زندگی بخش عظیمی از جامعه وارد کرد. دولت روحانی همچون دولتهای قبلی، در ادامه سیاست ریاضت اقتصادی و صندوق جهانی با حذف کامل سوبسید نان این سیاست را به آخر خط برد. در نتیجه قیمت نان که یک قلم اساسی هزینه های مردم است صد درصد و بعضا تا ۲۰۰ درصد افزایش یافت. بدین ترتیب آخرین لقمه نان مردم گرسنه و فقیر جامعه از سفره شان ربوده شد. این اقدام طبعاً مساله به گران شدن نان خلاصه نمیشود، بلکه متعاقب آن قیمت دیگر کالاهای اساسی مردم در همین هفته افزایش یافت و زمزمه های بحث بر سر افزایش دوباره قیمت کالاهای حامل انرژی از جمله بنزین نیز شنیده میشود. با اعتراضی سراسری علیه تعرضات هر روزه جانبان اسلامی به زندگی و معیشتشان بایستیم و گرانی نان را نپذیریم.

**شکنجه در قرن بیست و یک:
این دمکراسی غربی است!**

علی جوادی



کمیته در عین حال مدعی است که سازمان سیا حقایق بسیاری از عملکرد این سازمان را حتی از هیات حاکمه و کنگره آمریکا پنهان کرده و دهها میلیون دلار صرف جلوگیری از انتشار این گزارش و نابودی اسناد شکنجه توسط این سازمان کرده است. گزارش این کمیته در عین حال پرده از بخشی از سلسله اقدامات ریاکارانه و عوافریبانه هیات حاکمه پیشین آمریکا بر میدارد.

واقعیت چیست؟

این گزارش مسلماً تمام حقیقت کریه و جنایت آمیز عملکرد روزمره سازمان سیا در شکنجه، ترور، کشتار، کودتا و نابود کردن مخالفین را بازگو

گزارش رئیس کمیته اطلاعاتی سنای آمریکا در باره شکنجه زندانیان در ۱۹ بازداشتگاه مخفی در کشورهای مختلف جهان توسط سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا - سیا با واکنشهای متعددی در آمریکا و جهان و هیات حاکمه آمریکا مواجه شده و به یک سوژه مهم خبری تبدیل شده است. به جوانب متعدد این مساله باید پرداخت. در نگاه اول: خودشان دارند به شکنجه توسط سازمان اطلاعات و امنیت خودشان اذعان میکنند. ادعا میکنند که آنچه تاکنون در باره شکنجه توسط سازمان سیا گفته و شنیده شده است تنها گوشه ای از آن است که این کمیته به آن پی برده است.

نمیکند. پرده از ماهیت جنایی سازمان سیا بر نمیدارد. برعکس از نفس وجودش دفاع میکند. این گزارش تنها گوشه ای از حقیقت را میگوید. به بخشی از عملکرد این سازمان مخوف و در دوره معینی برمیگردد. در عین حال به رقابت‌های جناحی آلوده است. به دوران جورج بوش پسر و بعد از فاجعه ۱۱ سپتامبر

صفحه ۹

گرانی نان را نمی پذیریم

ها و از جمله قیمت نان، خبری از افزایش دستمزد نیست، گمانه زنی هایشان بر سر میزان حداقل دستمزد سال آتی نیز از همین الان حول افزایش ۱۴ درصد و یا ۱۷ درصد بر دستمزد چند بار زیر خط فقر کنونی میچرخد که حتی بسیاری پائین تر از میزان تورمی است که خود رسماً اعلام می کنند و معنی آن رسیدن سطح دستمزدها نهایتاً به رقمی بین ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان است.

بدین ترتیب همه شواهد حکایت از اعلام جنگی همه جانبه به کل جامعه و تعرض گسترده تر به زندگی و معیشت مردم دارد. بویژه در شرایطی که دولت روحانی با جلو بردن سیاست مذاکره با غرب جلو آمده بود، تا بلکه با کاهش تحریم ها گشایشی برای اقتصاد فروپاشیده جمهوری اسلامی حاصل شود، و عملاً برای هیچکدام از طرفین این مذاکره امید و چشم اندازی برای به نتیجه رسیدن نمانده است، اقتصاد حکومت اسلامی بیش از پیش به بن بست رسیده است. در این میان کشاکش عربستان سعودی و ایران و رسیدن قیمت نفت تا بشکه ای ۷۰ دلار، جمهوری اسلامی را بیش از پیش به محصوره انداخته است. بطوریکه در همین روزها موسسه ی سرمایه گذاری بین المللی (آی‌آی‌اف) با انتشار گزارش مفصلی درباره ی آینده ی اقتصاد ایران بر این نکته تاکید دارد که اگر توافق اتمی میان ایران و قدرت های جهانی سرنگردد، اقتصاد ایران ظرف ۲ سال آینده به ورطه ی ورشکستگی کامل خواهد افتاد. این فشارهای اقتصادی باز هم کارگران و مردم زحمتکش را هدف قرار داده و تمام تلاش رژیم تقویت دستگاه سرکوب و خفقان و کمک به ارگانهای ارتجاعی از سویی و پر کردن حسابهای بانکی سرکردگان باندهای حکومتی است. در عین حال وضعیت اقتصادی به بن بست رسیده حکومت از یکسو فضای پر جنب و جوش اعتراضی در میان کارگران و کل

آمدن مردم با جنبش های اجتماعی شان را دارد. این را با نگاهی به فضای اعتراضی مردم در همین چند ماه اخیر به روشنی میتوان دید. اعتراضات مردم در برابر حکومت اسید پاشان و به غلط کردن افتادن حکومت در برابر مردم خشمگین، حجاب برگیران زنان و شکستن دیوار آپارتمان جنسی، در مناسبتی چون گرامیداشت مرتضی پاشایی خواننده جوانی که در گذشت، دو نمونه اخیر از این اعتراضات است. محیط های کارگری نیز پر از اعتراض و مبارزه است. در همین یک ماه اخیر چندین هزار کارگر در کارخانجات مختلفی چون پتروشیمی ماهشهر، یاس خرمشهر، معدن کوشک بافق، معدن چادرملو، سیمان لوشان، شرکت برق منطقه تهران، شیشه آبگینه، آلومینیای جاجم خراسان، بازنشستگان مازندران، معدن البرز شرقی، کارگران ساختمانی، کارگران بازنشسته در تهران، گروه صنعتی هوایار و... در اعتراض و مبارزه بوده اند و بسیاری از این مراکز به کانونهای داغ اعتراض در این شهر

و آن شهر تبدیل شده اند. هم اکنون نیز بحث بر سر گرانی و خصوصاً موضوع گرانی نان، به بحث داغی در میان مردم تبدیل شده و جامعه به مرز انفجار رسیده است. روشن است که در چنین فضایی تصمیم حکومت برای افزایش قیمت نان با عکس العمل اعتراضی گسترده مردم روبرو خواهد شد. دیر نیست که مردم صف های خرید نان را به صف اعتراض گسترده خود تبدیل کنند. و باید به تدارک چنین اعتراضاتی رفت. باید اعلام کرد که گرانی نان و بالا رفتن هر روزه قیمت ها را قبول نمیکنیم. باید اعلام کرد که دولت موظف است به عنوان اولین قدم به کالاهای اساسی مورد نیاز مردم از جمله نان سوپسید بپردازد. باید اعلام کرد که اگر خط فقر به گفته خودتان سه میلیون تومان است، حداقل دستمزد ما کارگران نیز باید سه میلیون تومان باشد. و این خواست همه معلمان، پرستاران، بازنشستگان و بخش اعظم حقوق بگیران جامعه است. میتوان علیه گرانی نان و بالا رفتن هر روزه قیمت ها طومار های

اعتراضی جمع کرد و در مقابل مجلس و مراکز قدرت رژیم اسلامی در شهرهای مختلف تجمع برپا کرد و خواهان لغو این تصمیم شد. میشود در تمام مراکز کارگری اعلام کرد که حالا که نان و قیمت کالاهای مورد نیاز ما مردم هر روز افزایش می یابد، دستمزد ما کارگران نیز باید اضافه شود. خصوصاً جنبشی بر سر این خواست در جریان است. ۴۰ هزار کارگر بر سر خواست افزایش دستمزدها طومار اعتراضی داده و پیگیر خواستشان هستند. اتحادیه آزاد کارگران ایران مبتکر این طومار ها فراخوان به اعتراضی سراسری علیه فقر و گرانی نان و برای خواست افزایش دستمزدها داده است. میشود به این طومار و به این فراخوان پیوست و پرچم خواست حداقل دستمزد سه میلیون تومان را بلند کرد. بدین ترتیب با اعتراضاتی سراسری علیه تهاجمات رژیم به زندگی و معیشتان به میدان بیائیم و بساط جانین اسلامی را جارو کنیم.*

گرانی نان، ارزان شدن جان آدمیزاد!

حزب کمونیست کارگری در باره افزایش قیمت نان

قیمت نان در ایران حداقل ۳۰ درصد و در برخی شهرها تا ۶۵ درصد افزایش یافت. این فقط نشانه ای دیگر از گرانی روز افزون و سخت شدن زندگی در ایران نیست. این فقط افزایشی در مهمترین قلم معیشتی میلیونها کارگر و مردمی که فی الحال به زحمت گذران میکنند نیست. علاوه بر همه اینها، افزایش قیمت نان شاخصی است از سیاست های کلان جمهوری اسلامی و "دولت تدبیر" آن و اینکه چه بلایی قرار است بر سر جامعه ایران بیاورد.

اگر قرار است جمهوری اسلامی "مساله هسته ای" و رابطه با غرب را سر و سامان دهد، مستقل از اینکه چقدر بتواند یا نتواند،

مکمل داخلی این سیاست، گرانی نان و ارزانی جان آدمیزاد است. ارزانی جان آدمیزاد نه فقط به معنای برپا کردن چوبه های دار و شکستن مکرر رکورد اعدام توسط دولت روحانی، که هر روز به آن مشغول است؛ بلکه همچنین به معنای به سرانجام رساندن "جراحی اقتصادی" احمدی نژاد که از طرح "بانک جهانی" و سیاست های ریاضتی بورژوازی اقتباس شده بود. بعبارت دیگر گران شدن نان که شاخص عزم راسخ دولت برای کاهش سطح معیشت

مردم است، مذاکرات هسته ای و افزایش اعدام ها و حفظ فضای اختناق، سه جزء اصلی تعریف دولت "امید" جمهوری اسلامی برای بقا است.

برای دفاع از زندگی باید این "امید" جمهوری اسلامی را نقش بر آب کرد. باید فعالانه علیه گرانی نان و دیگر مایجتهای اعتراض کرد. باید همه جا علیه هجوم جمهوری اسلامی به معیشت مردم به میدان آمد. باید علیه هرگونه حذف سوبسیدها و افزایش قیمت

یک گام به پیش علیه اسلام سیاسی

مصاحبه کیوان جاوید با مریم نمازی و فریبرز پویا



کیوان جاوید: با سلام به شما مریم نمازی و فریبرز پویا. در رابطه با جنبش اسلام سیاسی و مبارزه با جنبش اسلام سیاسی صحبت کنیم و ببینیم کلا جنبش علیه اسلام سیاسی چه دستاوردی داشته و شما چه جوری مبارزه خود با اسلام سیاسی را پیش برده اید. مریم نمازی اجازه بدهید با شما شروع کنم و از آخرین دستاوردی که شما داشتید. اخیرا کانون وکلای انگلیس در نامه ای به شما در واقع با پس گرفتن رهنمود خود در مورد قوانین شریعه از مردم معذرت خواهی کرده اند. میتوانید در این مورد کمی توضیح دهید.

مریم نمازی: با تشکر از دعوت شما، بله خیلی جالب است کانون وکلا که باید نقشش این باشد که از برابری حقوق مدنی شهروندان این جامعه دفاع کند، رهنمودی داده بود به وکلای انگلیس که چگونه قانون شریعه را در ارث و میراث اجرا کنند و خیلی جدی - چون در نگاه اول فکاهی بنظر میرسید - اعلام کرده بود که طبق این قوانین زنان باید نصف مردان ارث بگیرند و اگر بچه ای خارج از ازدواج بدنیا آمده حق ارث ندارد و غیره. یعنی

میگفتند هر کس که میخواهد قانون شریعه را استفاده کند در ارث و میراث، قانونش این است. بدون هیچ سوال. ما یک کمپین اعتراضی وسیع علیه این رهنمود و قوانین شریعه سازمان دادیم که شامل یک تظاهرات جلوی محل کانون وکلا، نوشتن نامه سرگشاده که در سطح وسیع انعکاس پیدا کرد. در عین حال وکلای سرشناسی پیدا کردیم که مدافع حقوق زنان هستند و به کانون وکلای انگلیس اعلام کردیم که بخاطر اینکه این رهنمود علیه برابری است و باعث تبعیض بین یک سری از مردم در این جامعه میشود آنها را به دادگاه میکشیم و بالاخره آنها عقب نشینی کردند و به خوشی تمام شد.

کیوان جاوید: کی تمام شد؟ از شما عذرخواهی کردند؟

مریم نمازی: بله همین دوهفته پیش کانون وکلا یک نامه دادند، معذرت خواهی کردند و گفتند که نمیخواستند تبعیض قائل بشوند. میخواهم این را بگویم که از این زاویه مهم است که در جوامع غرب وقتی بحث قوانین شریعه پیش می آید

همیشه اینطوری جلوه داده میشود که انگار اگر قوانین شریعه اعمال نشود تبعیض آمیز است علیه مسلمانان. اما این بار واضح شده است که اتفاقا قوانین شریعه است که تبعیض آمیز است.

کیوان جاوید: فریبرز پویا چطور ممکن است در غرب که اصلا برای سکولاریزم جنگ عظیمی شد و مذهب را از دولت بیرون کردند و کلا جامعه بر اساس مذهب اداره نمی شود، چطور در انگلیس تصمیم گرفتند چنین قانونی را پیاده بکنند؟

فریبرز پویا: تفاوت داعش در عراق و ایران و یا تیپ اسلامیه در اروپا و اینکه اینها جریانات سازمان یافته ای هستند و هر وقت هر جامعه ای اجازه بدهد، اینها همان سیاست های ضد انسانی خود را اعمال میکنند. یعنی مقدار عقب نشینی مذهب و وجود آزادی در هر جامعه ای همانقدر است که مردمش اجازه بدهند و برای آن مبارزه بکنند. تفاوت ایران و عراق و داعش در موصل در این است که چقدر مردم مبارزه کردند با داعشیانی که در قدرت هستند

چه در ایران و چه در عراق. یعنی تفاوت نقش مردم است. در اروپا هم همینطور بوده بعد از انقلاب فرانسه نیروهای مذهبی را از صحنه قدرت تا درجه ای بدر کرده اند و قوانین اداره و آموزش و پرورش و قوانین دادگاهها، سیستم قضایی بر مبنای غیر مذهبی باز سازماندهی شده. ولی اینها بعنوان نیروهای سازمان یافته هنوز حضور دارند و تلاش میکنند دوباره به اندازه توانشان همان قوانین را به کرسی بنشانند. شما اگر اجازه بدهید کلیسای کاتولیک قوانین مذهبی خود را راه بیندازد همان برنامه های قرون وسطا را بشکل امروزی آن را براه خواهد انداخت.

بعد از انقلابی که در ایران بوقوع پیوست و بعد از سرکار آمدن نیروهای اسلامی، رشد اسلام سیاسی، جریانات اسلام سیاسی بطور خیلی سازمان یافته در کشورهای اروپایی تلاش کردند که قوانین جوامع را به نفع خودشان تغییر بدهند. این حرکت را هم از دریچه ای که بگویند که ما "مسلمانان" که در این کشورها هستیم قوانین متفاوتی می خواهیم و بعلاوه تلاش کنند قوانینی را که ساخته و پرداخته انقلاب فرانسه و نتایج عصر روشنگری بوده را زیر پا بگذارند. و این یکی از حرکتهایی بود که در انگلیس کردند. کانون وکلا بنظر من بدون اینکه توجه کامل بکند و با بی مسئولیتی کامل بعنوان "احترام به عقاید مذهبی"، خواست آنها را قبول کرد و رهنمودی آوردند برای وکلا که قوانین شریعه اینطور است و به هر حال میخواهیم احترام بگذاریم به عقاید و مذاهب دیگر و اگر کسی مذهبی است و دلش میخواهد بیاید و قوانین شریعه را اینطور انجام دهد. اهمیت و خطر این قضیه این بود که سیستم قضایی انگلیس را تعدیل کردند و این مورد توجه و اعتراض خیلی از نیروهای مترقی جامعه قرار گرفت.

مریم نمازی: باید اضافه کرد که این یک نوع تلاش برای نهادینه کردن قوانین شریعه در جامعه انگلیس بود و از این نظر

خیلی خطرناک بود. خوب هرکسی میتواند ارث خود را هر جور که که میخواهد اعمال کند و این یک مسئله شخصی است. ولی وقتی میشود جزئی از قانون، نهادینه میشود و بعد تبعیض هم نهادینه میشود.

کیوان جاوید: آیا این حرکت نشان میدهد که مردم در انگلیس مذهب و اسلام را دارند میپذیرند؟ آیا این مردم هستند که دارند کوتاه می آیند در مقابل مذهب؟ چرا سیستم دولتی و قانونی دارد اینکار را میکند؟ وضعیت مردم ایجاب میکند و یا مردم در مقابل مذهب بیشتر کوتاه می آیند چطور است؟

مریم نمازی: مردم و جامعه انگلیس، جامعه ای بسیار سکولاریستی است و اتفاقا فشار علیه مذهب زیاد است در این جامعه. و یک دلیلی که این نوع قوانین می آید برای این است که اعتراض علیه مذهب را عقب براند و چیزیکه جالب است و باید به آن توجه کرد این است که دولت انگلیس سکولار نیست. یعنی وقتی به ملکه نگاه میکنید، ملکه رئیس کلیسای انگلیس است و باید باشد. جزو قوانین است. حتی در مجلس لردها که نقش سنای این کشور را بازی میکند چندین کشیش حضور دارند، کشیشانی که اصلا منتخب هیچ کس نیستند و بطور دایم ۲۶ کشیش باید حتما در پارلمانشان باشد و خیلی چیزهای دیگر. مثلا جلسات پارلمان را با دعا شروع میکنند؛ و یا همانطور که خود شما اطلاع دارید در انگلیس در مدارس باید وقت نماز داشته باشند، خوب البته این که این رعایت نمیشود بحث دیگرست ولی میخواهم بگویم مذهب همیشه بخش مهمی برای طبقه حاکمه و برای کنترل جامعه دارد. وقتی که میگویند باید احترام گذاشت به اقلیتها و مذاهب دیگر یک نوع نگه داشتن مذهب حاکم در این جامعه هم هست. از آن زاویه خیلی کمک میکنند به

یک گام به پیش علیه اسلام سیاسی

طبقه حاکم در کشور و در ضمن وقتی که میگویند مسلمانان هم باید قوانین خودشان را داشته باشند بعد میگویند خوب مسیحیان هم باید مدارس و امکانات خودشان را داشته باشند این کمک میکند يك مقدار فشار روی کل جریانات مذهبی برداشته شود.

کیوان جاوید: وقتی به دنیا و به خاورمیانه نگاه میکنیم، به گروههای اسلامی ونفوذ اسلامیه به اینجا نگاه می کنیم فکر نمیکنید خود دولت اینها را تقویت میکند؟ شما میگویند دولت اینجا مذهبی است اما بالاخره اسلامی که نیست و کلیسا را بیشتر میخواهد بقدرت بیاورد. چطور شد که اسلامیها در اینجا قدرت دارند، سازمان دارند، نیرو دارند؟ دولت چه نقشی در قدرتمندتر کردن اینها دارد؟

فریبرز پویا: بنظر من تفاوتی اینجا مطرح و تاثیر گذار است. يك بخش این است که خوب نیروهای مذهبی و اسلامی نیرو و سازمان امکانات دولتی دارند و بعلاوه مثل هر جریان سیاسی تلاش میکنند که جامعه را بر مبنای عقاید و رفتار و کردار و نیازهای خودشان سازمان بدهند. در عین حال در نظر بگیرید که تاریخا مذهب يك رابطه نزدیک و مستقیم با دولت سرمایه داری داشته و امروز بطور استراتژیک این رابطه را داراست. وقتی که دول سرمایه داری تلاش میکنند در افغانستان بطور مثال حضور نیروی نظامی در آن کشور، سیستم دولتی را سازمان دهند بدنایل يك سیستم دولتی و عشیره ای و مذهبی هستند و در عراق همین کار را میکنند و کل سیاست آنها و رابطه شان با

کشورهای خاورمیانه هم بهمین شکل است، تاثیر خودش را روی سیاست در جامعه خود آنها هم میگذارد. سیاست خارجی آنها با سیاست داخلی آنها از هم جدا نیست. بخصوص آنکه مقداری از نیروهای اسلامی که در آن کشورها هستند در کشورهای اروپایی هم حضور دارند و همان رابطه را برقرار میکنند. بنای همان ایده که در آن جوامع دولت نماینده تمام مذاهب و عشیره ها در عراق و افغانستان هست خوب آنها هم میایند همین بحثها را با شما در اروپا میکنند و در واقع همان نتیجه را میدهد. بنظر من ایدئولوژی یکسانی جامعه امروز سرمایه داری و دولتهایش را رهنمود میکند و آن شقه شقه کردن جامعه است و این خیلی نزدیکی دارد با سیستم اقتصادی، سیستم کنترلی که وجود دارد. وقتی جامعه شقه شقه تر و حقوقها کمتر باشد بنظر من بنفعشان است.

از لحاظ عملی نیروهای اسلامی البته خودشان را تحمیل میکنند اینطور نیست که خود دولت انگلیس و یا دول اروپایی بشکل خیلی راحتی میخواهند اینها رشد پیدا بکنند. اینها يك رابطه است و در واقع يك بالانسی است که وجود دارد. اونها میخواهند که گروه های اسلامی مردم مسالمان در کشورهای اروپایی را نگه دارند که سر و صدا و اعتراض نشود و بعنوان ابزار کنترل نیروی کار ارزان باشد و غیره. ولی اسلاميون هم هیچ وقت حاضر نیستند در آن حیطه خودشان را محدود کنند و سهم خواهی وسیع تری را در دولت و امکانات از جمله پارلمان میخواهند، و سعی میکنند قوانین جامعه را بنفع خودشان عوض کنند. این يك بالانسی است که در متن يك چهارچوب بلند مدت عمل میکند.

مریم نمازی: بنظرم وقتی نگاه میکنید به دولت انگلیس اساسا مشکلی با جنبش اسلام سیاسی ندارد، مثلا میبینیم خیلی از نزدیکترین روابطی که با دولتها دارند مثل عربستان سعودی و خیلی اوقات میبینیم مشکلی با جمهوری اسلامی ندارند. مشکلمان با آن بخش از اسلام سیاسی است که میاید در منطقه خودشان ترور انجام میدهد و غیره. وگرنه این جنبش به راحتی آدم بکشد و سر مردم کشورهای دیگر را ببرد برایشان مهم نیست و اهمیت ندارد. و يك سیاستی که دولت انگلیس دارد این است که سعی کرده بخش سیاسی اسلام سیاسی (مثل دادگاه های شریعه) را در مقابل بخش تروریستی تقویت کند. چیزی را که واضح است اما این است که این دو روی يك سکه هستند و به همدیگر کمک میکنند. قوانین شریعه به تروریسم اسلامی کمک میکنند.

کیوان جاوید: فکر نمیکنم ترسشان از سکولاریزم و آزادی بیشتر از این است که حاضرند به بخش تروریست اسلامی کمک بکنند و تا جلوی رشد سکولاریسم، جنبش سوسیالیستی و آزادیخواهی بگیرند؟

مریم نمازی: صد درصد. یعنی اگر بخود انگلیس نگاه کنیم مهاجرانی که سی و یا چهل سال پیش به انگلیس آمدند سازمانها و جنبشهای چپ و رادیکال سازمان دادند، برای مثال کسانی که از بنگلادش گرفته تا هند و پاکستان آمده بودند. یعنی خیلی از نیروها و سازمانهای ضد راسیست، علیه فقر و علیه بیکاری، از مهاجرین چپ این کشورها بودند. همانطور که در ایران جنبش اسلام سیاسی را علیه انقلاب چپ به میدان آوردند اینجا هم برای تضعیف جنبشهای چپ در خود انگلیس هم استفاده کردند. یعنی کاری را که در ایران کردند در کشور خودشان هم کردند.

کیوان جاوید: بگذارید سوال را جور دیگر بپرسم. با این همه امکانات دولتی که اسلام سیاسی دارد، نیروی نظامی تروریست که دارد، نیروی مالی که دارد شما چطور توانستید آنها را در این مورد عقب برانید، قدرت شما چقدر است؟

مریم نمازی: من جنبشمان را خیلی قوی میدانم. خیلی قویتر از آنها میدانم. درست است که آنها آنقدر وحشی هستند و خیلی پولدارند و دولتهای ارتجاعی پشتشان است ولی خوب ما هم خیلی نیرو داریم و وقتی میگویم ما نماینده اکثریت هستیم غلو نیست، این يك واقعیت است. مثلا اخیرا کنفرانسی در لندن سازمان دادیم که از همه جای دنیا آدمهایی که در صف مقدم مبارزه علیه اسلام سیاسی و راست-مذهبی هستند از بنگلادش، ایران، پاکستان، افغانستان، سوریه و لیبی، آمریکا، سریلانکا و غیره حضور داشتند و میبینیم که این آدمها با تمام مشکلات و تهدیداتی که برایشان وجود دارد چه نیروی عظیمی هستند که علیه این اسلامیون و همزمانشان از مذاهب دیگر ایستاده اند. مثلا در خود ایران خیلی مبارزات علیه حجاب، در دفاع از کودک، در دفاع از حقوق معوقه کارگران، وقتی اینها را میبینیم میگویم در آن جامعه که آن همه سرکوب میشوند مردم علیه اعدام و سنگسار میایستند. ما هم جزو همان جنبش هستیم چه در انگلیس مبارزه کنیم چه در ایران.

فریبرز پویا: و بنظر من این یکی از خصوصیات هر جنبش اجتماعی و اعتراضی واقعی است که از دل مردم میاید بیرون. شما نگاه کنید نیروهای اسلامی بعنوان نیروهای دولتی و وابسته به دولتهای ارتجاعی که پولشان از عربستان سعودی می آید یا از دولت اسلامی ایران می آید یا از عراق می آید یا پاکستان و افغانستان. و کاملا مشخص است که نیروی محرکه اینها

دولتهای مذهبی هستند، خوب با همکاری و چشم پوشی دولت انگلیس. ولی منظورم این است که اینها نیروهای سازمان یافته دولتی هستند و امکان و نیرویشان را از آنجا میگیرند ولی وقتی به پایه اجتماعی آن نگاه میکنی لایه خیلی ضعیفی هستند. از امکانات وسیعی برخوردار هستند ولی پایه اجتماعی ندارند مثل هر نیروی مترجع دیگر. و اهمیت نیروی اعتراضی ما، جنبش اجتماعی ما، بطور مثال همین کمپین قانون برابر برای همه که خود مریم رهبری آن را میکند و اکس مسلم و سازمانهای اعتراضی ریشه مردمی دارند و به همین خاطر با اینکه يك جنگ نابرابر است از لحاظ امکانات و مدیا و دسترسی به جامعه ولی تعداد ما بسیار است و این اهمیت دارد و بعلاوه اینکه صحبتی را که میکنی منفعت واقعی اکثریت مردم است، این چیزی است که ته دل مردم مینشیند، وقتی میگویند که يك بچه، يك دختر نباید بشکل نابرابر ارث بهشان برسد و دولت حق ندارد بین دختر و پسر تبعیض بگذارد این از نظر سایکولوژی در قلب وسیعترین اقشار جامعه است وقتی گوش شنوایی برای آن پیدا شود قدرت انفجاری عجیبی پیدا میکند و نیروی ما اینجاست و بنظر من اهمیتش در این است.

کیوان جاوید: برسیم به يك بخش خیلی جالب دیگر در مورد امکانات مالی سازمانهای هودار داعش. من شنیدم که یکی از سازمانهای اسلامی هودار داعش را بدنایل افشاگری شما مورد بررسی قرار گرفته است. بدنایل کمپینی که شما شروع کردید داد اسلامیان در آمد و خیلی هم تهدید مستقیم علیه شما بود. لطفا برایمان در اینمورد توضیح دهید.

مریم نمازی: خیلی جالب است چون مثلا وقتی ما کنفرانسی در لندن داشتیم اسلامی ها نامه دادند به هتل که

از صفحه ۴

یک گام به پیش علیه اسلام سیاسی

باید این کنفرانس را قدغن کنید اگر هم کنفرانس را قدغن نمیکنید حداقل مریم نمازی را قدغن کنید برای اینکه او فعالیتهای ما را در انگلیس قدغن کرده است، علیه مدارس اسلامی است، علیه قوانین شریعه است، همه چیز ما را دارد قدغن میکند. نمیگذارد ما جداسازی بکنیم در دانشگاهها و غیره، خوب مسلما فقط من نیستم که جلوی آنها را گرفتیم؛ این يك جنبش وسیعی است، ولی آدم احساس میکند يك مقدار ورق برگشته است، اول اینکه بخاطر مدیای اجتماعی و اینترنت، فقط دیگر سی ان ان و فاکس نیوز و آیت الله بی بی سی نیستند که "واقعیهایی" جامعه را منعکس میدهند. و در مدیای اجتماعی واقعیت خواستههای مردم را براحتی میشود دید. درضمن بخصوص در غرب فرق بین آدمی که مسلمان است با جنبش اسلام سیاسی دارد مشخص میشود. خیلی ساهاست که دولت سازمانهای اسلامی را با مردم که مهر مسلمان خورده بودند یعنی مردمی که از ایران و یا خاورمیانه می آیند یکسان میدیدند. این چیزی است که ما مشخصا برایش جنگیدیم که اینها دو چیز متفاوت است. اولاً که همه مردم مسلمان نیستند، دوما همه مردم مسلمان طرفدار اسلام سیاسی و جمهوری اسلامی نیستند، این خیلی مشخص است و بخصوص در این دوره بخاطر فعالیتهای ما علیه نسبیت فرهنگی، اینکه همه يك فرهنگی نیستیم، فرهنگ سنگسار فرهنگ جمهوری اسلامی است نه فرهنگ مردمی که دارند هر روز علیه آن مبارزه میکنند. يك بخش آن است و يك بخش دیگرش همین سازمانهای اسلامی که خود را سازمانهای "خبریه" جلوه می دادند (الان هزار نفر از

شهروندان بریتانیا رفتند و به داعش پیوستند). حرفهای ما بطور مشخص دارد ثابت میشود و فعالیتهای چند ساله به ثمر رسیده و الان یکی از این سازمانها زیر بررسی است. فریبرز پویا: در پاسخ مشخص به شما که در مورد سازمانی بود بنام بنیاد آموزش و تحقیق اسلامی، این یکی از سازمانهای اسلامی است که هوادار داعش است و اینجا خودش را بعنوان سازمان خیریه ثبت کرده بودند. همه جا بعنوان اینکه ما سازمان تحقیق علمی و آموزشی در رابطه با اسلام هستیم پول جمع میکرد به خیابانها میرفتند و به این اسم پول جمع میکردند. ولی وقتی نگاه میکردی میدیدی اعضای اینها به داعش پیوسته بودند و یکی دوتای آنها در صفوف داعش کشته شده بودند و رابطه مستقیم دارند و وقتی هم وب سایتهای آنها را نگاه میکنی و اگر کمی روی آنها را میخراشیدی میدیدی همان حرفهایی را میزنند که داعش می زند. از نابرابری زن و مرد، از اعدام آدمهای همجنس گرا و ده ها نمونه دیگر و وقتی این واقعیت افشا شد مسئولین امور خیریه بریتانیا هم مجبور شدند عکس العمل نشان بدهند و آنها را مورد بررسی قرار دهند.

کیوان جاوید: جالب اینجاست که قبول کردند.

مریم نمازی: ما يك گزارش جزیی نوشتیم در رابطه با این سازمان. مثلاً این سازمان از سنگسار دفاع میکند، از کشتن مرتدین دفاع میکنند، مثلاً میگویند اشکالی ندارد فقط سرشان بریده می شود چون سر بریدن درد ندارد! دقیقاً این حرفها را زدند و حتی به من بجای اینکه

بگویند اسم نمازی است علنی صدام می کردند "جنازی" که به اردو یعنی جنازه. این حرفها را میزنند و میگویند که آدمها باید کشته بشوند و بعد میگویند آزادی بیان است و ما داریم مذهبمان را تبلیغ میکنیم. بحثی که ما کردیم این بود که اینها مردم عادی مسلمان نیستند. پدر من مسلمان است و هیچ وقت نخواست کسی کشته شود! اینها نمایندگان اسلام سیاسی هستند و حرفهایی که میزنند و خلیفه ای که میخواهند داعش دارد الان پیاده می کند و در اصل افشایشان کردیم.

کیوان جاوید: و راحت بود که قبول کنند؟

مریم نمازی: ما نامه دادیم به سازمان خیریه انگلیس که چطور می توانید به سازمان ما بگویید نمیتوانید سازمان خیریه شوید بخاطر اینکه از سکولاریزم دفاع می کنید و سیاسی هستید ولی به جریان اسلام سیاسی که میگوید سر آدمهایی مثل من باید بریده شود و اینکه سنگسار چیز خوبی است و اینکه جامعه را پاک نگه میدارد اجازه می دهید سازمان خیریه بحساب بیاد و بخاطر این کلی امکانات مالی داشته باشد که بقیه سازمانهایی مثل قانون برابر برای همه ندارد.

بالاخره این سازمان مورد بررسی هستند بخاطر این تحقیقاتی که کرده بودیم. ولی میخوام بگویم که این همه اش نتیجه سالهای سال کار است که بالاخره کانون وکلا معذرت خواهی می کند یا دارند میکنند. یعنی معلوم است که کار دراز مدتی بوده است که الان ثمره آنرا میبینیم.

کیوان جاوید: بگذارید يك سوالی هم در مورد وضعیت مدارس اسلامی اینجا پیرسم که چه جوری بود و چطور اداره میشد و بعد شما چکار کردید و وضعیت امروز چطور است؟

فریبرز پویا: بله در چند سال گذشته یکی از عرصه هایی

که نیروهای اسلامی تلاش کردند سازمانهای خودشان را پا برجا بکنند مدارس اسلامی بود. با در نظر گرفتن اینکه تاریخاً در بریتانیا مدارس کاتولیک و پروتستانت وجود داشته اسلامیهها هم آمدند و گفتند که ما هم میخواهیم مدارس خودمان را داشته باشیم. در کنار آن دولت کامرون و وزارت فرهنگ انگلیس هم بدنبال خصوصی کردن مدارس بود و این سیاست را بشکل مدارس آزاد اجرا میکرد، نیروهای اسلامی بسیار سازمان یافته که از قبل چندین مدرسه بوجود آورده بودند با اجرای مدارس آزاد اسلامی سریعاً گسترش یافتند در نتیجه کودکانی که در این مدارس درس میخوانند ناگهان مورد آپارتاید جنسی و تمام قوانین اسلامی تهوع آور اسلامی قرار گرفتند که گهگاهی وضعیت آنها مانند پاکستان و شاید از آنجا هم بدتر شد. پشت درهای بسته دختران و پسران را جدا میکنند، دختران و پسران حق صحبت با یکدیگر را ندارند، ورزش و یکسری از فعالیت ها را اجازه نمیدهند دختران انجام بدهند، به موسیقی نمیتوانند گوش بدهند، بیرون با کسی نمیتوانند تماس بگیرند، اگر چادرش در مدرسه کمی کوتاه باشد اذیت میکنند، و بطور کلی کارهای که در انگلیس غیر قانونی است آنجا سعی میکردند انجام بدهند. وقتی معلوم شد که اینکارها را میکنند و سه چهار نفر از کسانی که در مدارس اسلامی درس میخواندند بیرون آمدند و یا در رفتند - و یکیشان هم آلیا بود که در کنفرانس بین المللی آمد و سخنرانی کرد و مصاحبه ای در برنامه نان و گل سرخ با او داشتیم - نشان داد که چقدر جریان ارتجاعی و تهوع آوری در انگلیس دارد بچه ها را آزار میدهد و کمپینی در این مورد سازمان داده شد.

کیوان جاوید: کی این کمپین را سازمان داده بود؟

مریم نمازی: خوب این هم باز کمپینی بود که ما سازمان دادیم با سازمانهای دیگر.

کیوان جاوید: شما چند تا کمپین سازمان داده اید؟

مریم نمازی: مثل اینکه وقت زیادی داریم! ولی بدنبال کمپین ما مشاور مخصوص وزیر آموزش و پرورش این کشور با ما تماس گرفت که باهاشون در مورد مدارس مذهبی صحبت کنیم. البته شکایات دیگری هم از اینها شده بود که در مطبوعات انعکاس پیدا کرده بود. اسلاميون تحت پوشش اینکه خوب این مذهب ماست و ما میخواهیم خودمان مذهب خودمان را راعایت کنیم تلاش کردند که اسلام سیاسی را قوی کنند و عقاید ضد بشری خودشان آورده اند در مدارس و به بچه ها تحمیل کردند. اون دختر جوانی که فریبرز میگفت ۶ سال در مدرسه اسلامی در انگلیس بوده، یعنی حتی در خود مدرسه دخترانه اجازه نداشتند هیچ وقت حجابشان را بردارند و بجای علم، "علم اسلامی" درسشان میدادند مثلاً بجای تکامل انسان، اینکه زن باید هر کاری که شوهرش میگوید انجام دهد را یاد میدادند و غیره. و به هر حال الان دیگر گندش درآمده، ما فکر میکنیم که اولاً که هیچ مدرسه مذهبی نباید وجود داشته باشد بخطر اینکه بچه ها باید بتوانند به پیشرفتهای جامعه و علم دسترسی داشته باشند نه اینکه بروند بهشان بگویند این دگم مذهبی است این را باید قبول کنی و مذهب تمام شد و رفت. اتفاقاً آموزش و مذهب میشود گفت که با هم تناقض دارند چون آموزش باید اجازه بدهد انتقاد کنی و فکر کنی و سوال کنی، مذهب اجازه نمیدهد سوال کنی، مذهب میگوید این است و همین است که هست و باید قبول کنی.

کیوان جاوید: الان وضعیت چطور است؟

مریم نمازی: الان هنوز خیلی کار مانده که مدارس اسلامی را به عقب راند بخاطر

یک گام به پیش علیه اسلام سیاسی

اینکه در خود انگلیس کلی مدارس مذهبی وجود دارد. مدارس کاتولیک دارد، مدارس پروتستانها و مدارس یهودی. به همین دلیل این مبارزه باید در چهارچوبی علیه کل مدارس مذهبی باشد نه فقط مدارس اسلامی ولی خوب مشخص است مدارس اسلامی خیلی بدتر هستند بخاطر نقش جنبش اسلامی در این مدارس. بدلیل این فشارها باعث شده که بیشتر مورد بررسی قرار بگیرند، خیلی از این مدارس را میخواهند ببندند و یا مدیرانشان را بر داشته اند و مدیر جدید گذاشته اند که کافی نیست و باید کار بیشتری در مورد این مدارس صورت بگیرد.

فریبرز پویا: بخش بازرسی مدارس در بریتانیا یک مسئولیتی دارد در قبال تمام کودکانی که در انگلیس هستند. یکسری قوانینی هست که دولت و بخش بازرسی مدارس را مجبور میکند که برای سلامت تمام بچه ها تلاش کند و آنها را مسئول این میدانند. وقتی بازرسان میروند و بازرسی میکنند میبینند که با این بچه ها کاملاً متفاوت دارد برخورد میشود و نتیجتاً یک سری از مدارس مذهبی را بستند و این شد که هفته پیش در روزنامه تایمز اخیراً سوال مطرح شد که آیا این بستن مدارس اسلامی یک پیروزی برای سکولاریزم است. البته همانطور که مریم نمازی گفت قضیه وسیع تر از این است و میتوان مدارس مذهبی یهودی را نشان داد که تقریباً مشابه همین دارد انجام میشود ولی تحت احترام به عقاید و یکسری از مدارس کاتولیک هم همینطور با اینکه جلوشان گرفته شده باز هم اینکارها را میکنند و سوالی که مطرح میشود این است یعنی نتیجه این اعتراضات

و مبارزات فقط بر علیه اسلامین نمی تواند باشد. برای سلامت کل جامعه سوال واقعی بستن تمام مدارس مذهبی است. در رابطه با مدارس مذهبی اسلامی که تأثیری که روی جامعه انگلیس گذاشته است این است که کودکانی که در این مدارس دارند پرورش میابند چه اتفاقی برایشان می افتد؟ میدانم که دولت انگلیس ناراحتی اش این است که بچه هایی که در اینجا بزرگ میشوند فردا نروند در صفوف داعش و یا اگر میروند برمیگردند انگلیس بمب گذاری نکنند و در واقع این را میخواهند کنترل نکنند. ولی سوالی را که در واقع مطرح میشود برای جامعه این است که اگر نتیجه یک مدرسه مذهبی این است پس برای سلامت کل جامعه و آینده جامعه آیا نباید کل مدارس مذهبی را بست؟ و این سوالی است که در واقع کمپین علیه کل مدارس مذهبی جنبش سکولاریستی مطرح کرده است و پیشنهاد ما این است که مدارس مذهبی بسته شود، هیچ بچه ای لازم نیست در مدارس مذهبی یاد بگیرد چطور فکر کند. میتوانند تاریخ بشر را بخوانند و در نتیجه مذهب که چه بلایی سر مردم آورده است، را مطالعه کنند. ولی پرورش یعنی کودک یاد بگیرد چطور فکر بکند، چگونه انتقاد بکند، رشد فکری بکند، رشد فیزیکی بکند، یاد بگیرد چطور در جامعه زندگی بکند و یک عنصر مثبتی برای آینده جامعه بشود. لازم نیست جدایی، تبعیض، نابرابری و عقاید عقب مانده و این چیزها را در مدارس یاد بگیرد.

مریم نمازی: نکته ای را اضافه کنم، ببینید بخصوص در غرب مبارزه فقط با اسلام سیاسی نیست بخاطر اینکه تبعیض و نژادپرستی هم خیلی

بالاست. بخصوص الان در اروپا که نگاه میکنیم تعداد زیادی از احزاب راست افراطی ضد مهاجر و ضد پناهنده دارند قدرت میگیرند و بیشتر دسترسی دارند و خیلی مهم است که این فعالیت علیه اسلام سیاسی فعالیتی باشد برای انسانیت و در دفاع از حق شهروندی، علیه راسیسم و در ضمن دفاع از سکولاریزم. جدایی دین از دولت واقعاً یک خواست اساسی و پایه ای است و این مبارزه باید در این چهارچوب پیش برود.

کیوان جاوید: آیا با سکولاریزم میشود؟ یعنی سکولاریزم مرکز مبارزه مان باشد و آن جامعه ای که ما میخواهیم و شما میخواهید به آن برسیم؟

فریبرز پویا: سکولاریسم یک چهارچوبی است که خیلی کمک میکند. ببینید ما در دنیایی زندگی میکنیم که ثروت نابرابر وجود دارد، امکانات نا برابر وجود دارد. یک سری در قدرت هستند که تلاش میکنند موقعیت خودشان را حفظ بکنند با کمترین امکاناتی که به جامعه میدهند و در واقع موقعیت برتر خودشان را حفظ بکنند و یکی از امکانات آنها، زرادخانه های اینها علیه مردم جریانات اسلامی و جریاناتی است که در واقع ریشه دخالت مذهب در زندگی مردم یعنی یکی از سیستم کنترلشان است. با برپا کردن جامعه سکولار یکی از عناصر مهم سرکوب یعنی دخالت مذهب را از دست اینها میگیرد. سکولاریسم چهارچوبی است که امکان میدهد جامعه راحتتر نفس بکشد و ابراز وجود کند. شرط لازم است ولی کافی نیست.

مریم نمازی: بحث سکولاریزم این است که بالاخره وقتی مذهب از دولت جدا است برابری را میتوانید اعمال کند ولی برابری قانونی. برابری قانونی مهم است ولی برابری خیلی عمیقتر از برابری قانونی بین مردم و زن و یا بین شهروندان است.

بخاطر اینکه برابری فقط در سطح قانونی نباید وجود داشته باشد و یا نمیتواند کافی باشد. برابری اقتصادی، برابری اجتماعی اینها همه جزئی است که بالاخره باید باشند. به همین دلیل سکولاریزم به هیچ وجه کافی نیست. ولی همان برابری قانونی هم زندگی مردم را بهبود می دهد. مثل روز و شب فرق دارد برای کسی که در انگلیس زندگی میکند با همه مشکلات آن و یا در فرانسه، تا زندگی مرد و زنی که در عربستان سعودی و ایران باید زندگی کنند. از آن نظر مهم است و یک پیش شرط است برای برابری قانونی. کافی نیست ولی تضمینی است برای این نوع برابری که آنهم در خود مهم است.

کیوان جاوید: میرسیم به کنفرانسی که داشتید و شخصیتهای مهمی که در کنفرانس شرکت کردند و اهدافی که کنفرانس داشت. مریم شما برابری از کنفرانس بگوئید این کنفرانس برای چی بود و چه کسانی در آن شرکت کردند و ارزیابی شما چه بود؟

مریم نمازی: این کنفرانس واقعاً یکی از آن نقطه های درخشان زندگی خودم بود و فکر کنم دیگران هم که آنجا بودند این احساس را میکردند که این کنفرانس تاریخی است. حتی رئیس سازمان سکولارهای انگلیس در مقاله ای نوشت "در این کنفرانس احساس کردم که یک تغییر اساسی و بزرگی صورت خواهد گرفت و زنان در راس آن هستند". ما همیشه میگوئیم ایران انقلابش زنانه خواهد بود. این کنفرانس این احساس را واقعاً داد. ۶۰ تا ۷۰ تا سخنران از کشورهای خاورمیانه و آفریقای شمالی و آمریکا و اروپا داشت. ولی اساساً مهاجرانی بودند از آفریقای شمالی و خاورمیانه و آسیای جنوبی و اصولاً فوکوس روی آن مناطق بود. این احساس را داد که اولاً مبارزه ای که ما داریم انجام میدهیم علیه اسلام سیاسی، در هند علیه راست - هندو هم انجام میدهند، در

سریلانکا علیه راست - بودایی (چون همیشه میگویند چقدر مذهب بودایی آرام است و مهربانند در صورتی که دارند آدم میکشند و مسلمانها را دارند میکشند آنجا). ما به اینها "جنبش راست مذهبی" می گیم که اسلام سیاسی هم جزو آن است که این مبارزه چقدر عمیق است، چقدر وسیع است و چه جاهایی صورت میگیرد و چقدر ما مبارزه مان یکی است و چقدر اهمیت دارد که با هم باشیم. اینکه چقدر قوی هستیم و چقدر با هم میتوانیم قدرتمندتر باشیم. از این این کنفرانس یک مانیفست برای سکولاریسم منتشر شد و در ضمن یک جبهه بین المللی در دفاع از سکولاریسم را اعلام کرد. در غرب کلاً مدام بهمان میگویند سکولاریسم یک خواست غربی است. این کنفرانس نشان داد که یکی از مراکز ثقل سکولاریسم خود خاورمیانه و شمال آفریقا است. مانیفست که از سکولاریسم دفاع میکنیم. خود جامعه سکولاریست اینجا ۴ یا ۵ سال است جایزه سکولاریست سال دارد و در این چند سال اولین جایزه را من گرفتم یکبار مینا احدی گرفته است یکبار پراگنا پاتل از هندوستان گرفته!

کیوان جاوید: پس تمدن غرب را شما دارید نمایندگی میکنید.

مریم نمازی: در واقع تمدن انسانیت است و سکولاریسم یک خواست انسانی است و نه غربی است و نه شرقی و واقعاً انسانی.

کیوان جاوید: کدامیک از شخصیتهای این کنفرانس برای شما جالب بودند؟

فریبرز پویا: طیف و شعاعی را که کنفرانس میپوشاند کامل بود به یک مفهومی. شما ببینید از پاکستان کسانی بودند که سینه به سینه جریانات اسلامی هستند و از هندوستان همین طور علیه راست مذهبی. در این کنفرانس فیزیکدان پاکستانی

از صفحه ۶

یک گام به پیش علیه اسلام سیاسی

پرویز هودبوی آنجا بود تا رهبر فمنا اینا شوچنکو، از فیلسوف انگلیسی و محبوب، ای سی گریلینگ حضور داشت تا مگدالین عبیدا از لیبی ولی چیزی که مهم بود همه نماینده و

مدرنیستی که طرفداری اسلام سیاسی هستند.

چهره اصلی سکولاریسم و در جنگ با دولت ها و جریانات اسلامی و مذهبی حضور داشتند و نشان داد که نیروی بسیار قوی در دنیا وجود دارد. منظورم این است که تیپ آدمهایی که آنجا حضور داشتند نشان داد که این کنفرانس یک محیط وسیعی را پوشانده و اینها آمده بودن با هم صحبت میکردند و راه نشان دهند. این کنفرانس عمق این جنبش و نیاز برای سکولاریسم را نشان میداد و اینکه این جبهه چقدر وسیع است و کسانی که به آنجا می آمدند احساس میکردند چقدر زیاد هستند و در واقع آدمها آمدند یک لحظه خودشان را در آینه نگاه کردند و دیدند چقدر وسیع و قدرتمند هستند و چقدر کار و قدمهای عملی برای پیاده کردن سکولاریسم میشود برداشت و خیلی میشود سازمان یافته تر عمل کرد.

کیوان جاوید: حدودا چند نفر در این کنفرانس شرکت کردند؟

فریبرز پویا: ۲۵۰ نفر شرکت کرده بودند. کسانی بودند که صاحب نظر بودند، صاحب فعالیت بودند، یک جمعیت غیر فعال نبودند که به کنفرانسی بیایند و گوش کنند و بروند. تمام کسانی که آمده بودند آدمهای فعال عرصه بودند. آمده بودند که فکر کنند چگونه میتوانند سازماندهی کنند.

مریم نمازی: در ضمن اکثر آدمهایی که آنجا بودند چپ بودند. درست است خیلی هم انتقاد کردند علیه چپ پست

کند باید کفر گویی کرد و درضمن زنان باید این کار را از همه بیشتر انجام دهند بخاطر اینکه مذهب خیلی ضد زن است.

کیوان جاوید: من روز دوم کنفرانس ریچارد داوکینز را دیدم که مهمان برنامه تان بود. چرا آنجا حضور داشت؟ چه بخشی از این مبارزه را او همراه شما است؟ چون ریچارد داوکینز را خیلی میشناسند.

فریبرز پویا: بله ایشان جزو شخصیت های مهم جنبش سکولاریستی است و ایشان خیلی پشتوانه علمی دارد و آمده بود با حضورش آنجا پشتیبانی اش را نشان دهد و بگوید از این جنبش پشتیبانی میکند. جزو سخنرانان نبود ولی میخواست بیاید. از جایی خیلی دور آمده بود چون میگفت حتما باید آنجا باشم بعنوان کسانی که کنفرانس را پشتیبانی کرده بود. بجز ریچارد داوکینز، ای سی گرینگ بود که سخنرانی خیلی جالبی در رابطه با مذهب مطرح کرد و یکی از سخنران اصلی کنفرانس بود و کسانی دیگر از کشورهای مختلف بودند. تسلیمه نسرين و پیترا تاچل، فیلمسازانی مثل لیلی قبادی، مریم هلیلوکا از الجزیره که از زنان با سابقه مبارزه برای حقوق زنان است. خیلی بودند، شخصیت های مهمی در جنبش و برای مبارزه برای برابری و سکولاریسم بر علیه جریانات راست.

از صفحه ۶

گرانی نان، ارزان شدن جان آدمی زاده!

ایستاد. باید در هر جا میتوان به اعتصاب و اجتماع دست زد و تلاش کرد این اعتراضات را سراسری کرد. باید پرچم افزایش دستمزدها را بالاتر برد. باید از هر فرصت و موقعیتی

استفاده کرد و صف اعتراض کارگر و مردم را قوی تر کرد و جمهوری اسلامی را به عقب راند. این مبارزه ای است نه فقط برای نان و جان آدمیزاد، بلکه برای همه آرمانهای شریف و انسانی.

علیه اسلام سیاسی تاثیر بین المللی دارد و تاثیر شگفت انگیزی خواهد داشت اگر جمهوری اسلامی سرنگون شود.

مریم نمازی: وقتی که جمهوری اسلامی توانست انقلاب ایران را سرکوب کند و خودش را تثبیت کند، رشد اسلام سیاسی و سیاهی را که با خودش در این چند دهه آورد را میبینیم. حالا تصور کنید که برعکس است یک انقلاب دیگر در ایران، یک انقلاب تمام نشده تمام بشود و جمهوری اسلامی را سرنگون کند. تاثیر آن در دنیا معلوم است. برای همین ایران از آن زاویه خیلی مهم است و اهمیت دارد. نه بخاطر "مردم پاک ایران" و از آن حرفهایی که ناسیونالیستها میزنند، مردم ایران مثل مردم همه جای دنیا هستند ولی از نظر آن مقاومتی که شده بخاطر تاثیرات یک

کیوان جاوید: چه تاثیری بر روی مردم ایران دارد؟

فریبرز پویا: مردم ایران هم باید بدانند و مطمئنا اینطور است که مبارزه شان علیه اسلام سیاسی مبارزه ای بین المللی است و اهمیت بین المللی دارد. اگر به دوران انقلاب فرانسه دنیا نگاه میکرد که مردم فرانسه و یا در انقلاب اکتبر چکار میکنند و تاثیر زلزله آن همه جای دنیا میرو، این اتفاق هم با رفتن جمهوری اسلامی و در متن آن مبارزه روزمره مردم ایران بر

حزب کمونیست کارگری شما مردم ایران را به این مبارزه فرامیخواند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ آذر ۱۳۹۳
۵ دسامبر ۲۰۱۴

یادداشت‌های هفته

امید تقوایی

کارد دسته خودش را نمیبرد!

"۲۲ میلیارد دلار را بردند در دبی فروختند!"

معاون روحانی

چه کسی برد و فروخت؟! رانت خواران و قاچاقچیان ارز چه کسانی هستند؟! ... جواب برای مردم روشن است ولی از نظر مقامات جمهوری اسلامی اینها جزو اسرار حکومتی است!

این نوع اظهارات مقامات در واقع افشاگری از خود دولت "تدبیر و امید" است! جناب معاون روحانی از جزئیات چپاول ارزی آگاه هست، میدانند چه مبلغ ارز در چه تاریخی و تحت چه پوششی از کشور خارج شده و در چه کشوری فروخته شده اما نمیدانند چه کسانی عامل این دزدی کلان بوده اند! و این اولین نمونه از این نوع افشاگریهای درون حکومتی نیست. قبلا هم بارها روحانی و مقامات دولتی اش از اختلاسهای هزاران میلیاردی در بانکها و در وزارت نفت و غیره بقول خودشان "پرده برداری" کرده اند اما عاملان این دزدیها را همچنان در پس پرده نگهداشته اند. حداکثر تهدید کرده اند که "نگذارید بگوئیم"! احمدی نژاد هم از همین نوع "نگذارید بگویم ها" - در آن دوره علیه باند رفسنجانی - کم نداشت و بالاخره هم نگفت و رفت. حالا نوبت باند روحانی - رفسنجانی علیه دزدان اصولگرا است. بجز این هم انتظاری از این فاسدین مدعی مبارزه با فساد نمیتوان داشت. از قدیم گفته اند کارد دسته خودش را نمیبرد!

در هر کشوری که اندک بوئی از مدنیت برده باشد این نوع اعتراف مقامات به دزدیهای دولتی، افشای نام سوء استفاده کنندگان و تعقیب و محاکمه آنان و نهایتا به استعفا کشاندن دولت مربوطه را بدنبال خواهد داشت! اما البته چنین انتظاری در نظام جمهوری اسلامی بی جاست. این حکومت ربطی به تمدن و مدنیت ندارد. اینجا مقامات ریز و درشت حکومتی میدزدند و میبرند و پول پارو میکنند و در کشمکشهای داخلی دزدیهایشان با عدد و رقم اعلام میشود اما اسم و رسمشان همچنان محفوظ میماند! این هم نوعی "تدبیر و امید" است! تدبیرش در لو ندادن خودیهاست و امیدش به تصویرسازی مقبولى از مقابله دولتی با فساد!

فساد در نظام جموری اسلامی امری نهادینه شده است. دزدیهای هزاران میلیاردی و رانتخواری و قاچاق و رشوه و اختلاس و سوء استفاده های مالی ریز و درشت که سرتاپای دولت را فراگرفته يك جزء ساختاری نظام جمهوری اسلامی است. مقامات و دار و دسته های حکومتی نه تنها بخاطر عواید و ثروتهای نجومی که بجیب زده اند و هر روز دارند بجیب میزنند، بلکه بخاطر حفظ کل نظام حکومتی شان ناگزیرند این بساط دزدی و غارت و چپاول را حفظ کنند. بدون ریشه کن کردن جمهوری اسلامی، فساد را نمیشود ریشه کن کرد.*

گسترش زاغه نشینی در کشور آیت الله های میلیاردی!

"۲۵ درصد مردم ایران در زاغه ها زندگی میکنند." سازمان جهانی برنامه توسعه انسانی

هفته گذشته سازمان جهانی توسعه انسانی در گزارشی اعلام کرد "۲۵ درصد مردم ایران در زاغه ها زندگی میکنند". در این گزارش در مورد املاك و مستغلات و کاخهای آیت الله های میلیاردی در آماري منتشر نشده است. اما اعلام زاغه نشینی يك چهارم مردم ایران در واقع اعلام چپاول دسترنج کارگران و توده محروم جامعه و منابع ثروت متعلق به کل مردم (نفت و گاز و معادن و جنگلها و



ژورنال روزانه

ژورنال روزانه را بخوانید!
ژورنال همه روزه بجز جمعه ها
منتشر می شود
 سایت ژورنال: journal-ruzaneh.com

مقامات و رسانه هائی است که امروز از این بابت اظهار نگرانی میکنند. دولتهای غربی خود جزئی از صورت مساله هستند و نه راه حل. راه حل در دست چپ اجتماعی و آزادیخواهی و انسانیت و مدنیت و برابری طلبی کمونیستی است. این نیرو گوشه ای از قدرت خود را در جنبش جهانی علیه تهاجم به عراق و سپس در ابعاد وسیعتری در جنبش اشغال نشان داد. امروز هم بروز دیگری از این نیروی رادیکال را در تظاهرات گسترده شهرای آمریکا علیه راسیسم در آن کشور شاهد هستیم. امید بشریت امروز به رهائی و آزادی، تماما به سازمانیابی، تحزب و ورود این نیروی عظیم چپ به عرصه مبارزه بر سر قدرت سیاسی گره خورده است.*

زعامت آمریکا در دنیای يك قطبی پس از شوروی است. از یکسو "اسلام افراطی" را به کیسه بوکسی برای تامین هژمونی بلامنازع غرب تبدیل کردند و از سوی دیگر به اسلام میانه و معتدل در غرب و در شرق پرو بال دادند. امروز همه میبینند که اسلام "معتدل" در غرب عملا به منبعی برای سربازگیری داعش تبدیل شده است. نیروهای اسلام سیاسی، "معتدل" و یا "افراطی"، اجزاء بهم پیوسته يك جنبش ارتجاعی و ضد بشری هستند. همانطور که نیروهای راست در جوامع غربی، چه در شکل بوشیسم و نتوکنسرواتیسیم و چه در هیات راسیسم عربیان، از يك جنس و از يك قماش اند. رشد راست افراطی در آلمان بیش از هرچیز حاصل سیاستها و تبلیغات

راسیسم و اسلامیسیم دو روی یک سکه اند!

رشد راسیسم و اسلامیسیم در دوره ما نتیجه مستقیم نتوکنسرواتیسیم و میلیتاریسم جنگی ای است که قرار بود دنیای يك قطبی بعد از شوروی را زیر پرچم غرب و مشخصا آمریکا به خط کند. این سیاست نافرجام ماند اما مردم جهان از عوارض و عواقب آن مصون نماندند. افسار گسیختگی نیروهای اسلامی نظیر داعش و بمیدان آمدن نیروهای راسیست از نتایج مستقیم استراتژی تفوق اردوگاه غرب به

هفته گذشته شهر درسدن آلمان شاهد تظاهرات چند هزار نفره نیروهای راست افراطی بود. مقامات و رسانه های آلمان از کسب نفوذ نیروهای راسیست و ضد خارجی با پرچم مخالفت با "اسلامی سازی غرب" در جامعه آلمان اظهار نگرانی میکنند. اما راسیسم و اسلامیسیم دو روی يك سکه اند. و عامل رشد هر دو در غرب و در شرق سرمایه داری بحرانزده و بی افق عصر ما است.

از صفحه ۱

شکنجه در قرن بیست و یک: این دمکراسی غربی است!

محدود است. اما همین ذره از حقیقت عمیقاً تکان دهنده و مشمشر کننده و انزجار آور است. دارند میگویند عکسهای که بعد از اشغال عراق در زندان ابو غریب منتشر شد تنها گوشه ای از عملکرد روزمره سازمان مخوف سیا است. شنیدیم اما واقعی است. عملکرد روزمره این سازمان است.

این سازمانی است که دمکراسی غرب، در مهم ترین کشور سرمایه داری جهان برای حفاظت از حاکمیت و هژمونی سیاسی خود در آمریکا و در سطح جهان ایجاد کرده است. علی الظاهر سازمانی مافیایی و جنایی نیست که عده ای مزدور مافیایی در آن شکنجه و ترور میکنند. نه این سازمان یک رکن مهم دمکراسی غربی است. دمکراسی غربی دوام و ثبات خود را مدیون اقدامات و به قول مدافعین بی شرم اش: "تلاشهای خستگی ناپذیری" این سازمان مخوف است.

شکنجه یک عمل ضد انسانی است. اقدامی شنیع و وحشیانه است. شاید بتوان گفت که شنیع ترین اقدامی است که میتوان بر علیه انسانیت و انسانی انجام داد. و اگر سازمانی بطور روتین راه دستیابی به اهدافش از کانال شکنجه مخالفین و رقبایش میگذرد، باید حکم به محکومیت چنین دستگاه و همچنین هیات حاکمه ای داد که چنین سازمانی را برای حفاظت از قدرت خود سازمان داده، بودجه اش را به هزینه مردم تامین میکند و از موجودیتش دفاع میکند.

گزارش سنای آمریکا در باره عملکرد مخوف سازمان سیا اگرچه بر ملا کننده گوشه ای از یک واقعیت دهشتناک است، در اساس خود نشان دهنده عملکرد دمکراسی غربی در محوری ترین حلقه خود است. تکلیف

حکومتیهای پلیسی و نظامی روشن است. اما این دمکراسی غربی است!

شکنجه: منفعت ملی مدافعین بی شرم شکنجه گران سیا متعدّدند. از مسئولین امروز و دیروز این سازمان جهنمی گرفته تا بخشهایی از هیات حاکمه آمریکا که عمدتاً در حزب جمهوریخواه متشکل اند. دفاع این بخش از هیات حاکمه از شکنجه به اندازه خود عمل شکنجه ضد انسانی و وحشیانه است. "منفعت ملی" یکی از حلقه های دفاعی است که اساساً شکنجه را در قرن بیست و یکم توجیه میکند.

بعضا میگویند "منفعت ملی" ایجاب میکند که در مواقعی چنین "اقداماتی" صورت گیرد. این فرمولشان است. "در مواقعی" مسلماً عامل تخفیف در دفاع از شکنجه و سازمان شکنجه است. در حاشیه میخوانند بگویند که کار هر روزشان شکنجه نیست و این دستگاه اساساً بر این روشها متکی نیست. در پاسخ به این وقاحت باید به چند نکته اشاره کرد. شکنجه تحت هر شرایطی، چه شرایط عادی و چه شرایط غیر عادی و در هر زمانی یک اقدام جنایی و عمیقاً ضد انسانی است و باید بر چیده شود. هیچ قید و شرطی، هیچ اما و اگر، هیچ شرایطی نمیتواند توجیه کننده کاربرد شکنجه باشد. هیچ "منفعتی"، هر نامی که بر آن گذاشته شود نمیتواند توجیه گر این عمل شنیع شود. و اگر "منفعت ملی" توجیه گر چنین روشی است باید پذیرفت که منفعت ملی عمیقاً ضد انسانی و توجیه گر شنیع ترین اعمال ضد بشری است.

و این واقعیتی که ما کمونیستهای کارگری همواره بر آن تاکید کرده ایم، گفته ایم که "منفعت ملی"، "مصلح ملی" و

عموماً کل ناسیونالیسم کوچکترین ربطی به منفعت انسان و جامعه ندارد. بر عکس ضد جامعه و ضد مردم و ضد انسانی است. هدف "منفعت ملی" حفاظت از سیادت سیاسی و اقتصادی طبقه حاکمه استثمارگر در هر جامعه ای است. ناسیونالیسم طوق لعنتی است که بر گردن جامعه می اندازند تا به دفاع از طبقه حاکمه مشروعیت سیاسی و "قابل قبول" دهند.

شکنجه: امنیت ملی

شاید قوی ترین استدلال مدافعین بی شرم شکنجه این باشد که شکنجه میتواند در مواردی منجر به نجات جان انسانهای حی و حاضر و زنده شود و از این دریچه تلاش میکنند مطلوبیت شکنجه را به جامعه حقه کنند. این تلاشی مذبوحانه است. حقیقت پایه ای این است که هدف این سازمانها نجات جان مردم عادی و جامعه نیست. هدفشان حفاظت از حاکمیت سیاسی کشور خودی در مقابله با مردم پیاخوخته و قیام کننده در درجه اول و همچنین رقبای خارجی است. توسل به شکنجه ابزاری در جهت حفظ قدرت سیاسی طبقات دارا در جامعه است. نجات جان انسانها، حفاظت از جامعه جایی در اهداف و سیاستهای این دستگاهها نداشته و ندارد. برعکس در تاریخ شان جنایت علیه مردم کشور خودی و کشورهای دیگر تماماً ثبت شده و به اثبات رسیده است. به این اعتبار این تلاش کودکانه را باید عمیقاً افشاء کرد.

در عین حال باید تاکید کرد که نمیتوان با روشهای ضد انسانی به اهداف انسانی دست یافت. این ماکیاولیسم است. کور و ضد انسانی است. باز هم باید تاکید کرد که هیچ توجیهی برای شکنجه قابل قبول نیست. حتی اگر مشتی تروریست در صدد اجرای توطئه ای ضد انسانی باشند، نمیتوان و نباید به شکنجه برای خنثی کردن توطئه متوسل شد. همانطور که هیچ جنایتی را نمیتوان با جنایت دیگری پاسخ داد، نمیتوان برای حفظ جامعه نیز متوسل به شکنجه شد. چنین توجیهی از

جانب مدافعان شکنجه صرفاً تلاشی برای حفظ این دستگاه مخوف و جنایی و فریب جامعه است. حکومتی که بویی از انسانیت برده باشد چنین "انتخابی" را در مقابل جامعه قرار نخواهد داد.

چه باید کرد؟

گزارش کمیته اطلاعات سنای آمریکا مهر جدال جناحهای هیات حاکمه آمریکا را بر خود دارد. اما اذعان به این حقیقت تلخ بی تردید باید به اقدام مشخص قضایی علیه آمرین و عاملین این جنایت سازمانیافته توسط سازمان سیا منجر شود. جورج بوش و دیک چینی و دانالد رامزفلد در راس دستگاهی قرار داشتند که این جنایات را توجیه کردند و روزمره به جامعه دروغ گفتند. این افراد باید به جرم جنایت تحت تعقیب مراجع بین المللی قرار گیرند. اگر این سازمانهای بین المللی تماماً ابزاری در دست هیات های حاکمه جهان سرمایه داری نباشند، باید چنین پروژهای را دنبال کنند. اما حکم دادگاه جامعه و مردم روشن است. این افراد باید به جرم جنایت محاکمه شوند. نباید اجازه داد

چنین افرادی به عنوان افراد "محترم" این طرف و آن طرف برون و دارای امنیت قضایی و سیاسی باشند.

باید به شکنجه در پهنای جامعه بشری خاتمه داد. اما تا زمانی که دستگاه های امنیتی و اطلاعاتی موجودند شکنجه مخالفین و افراد نیز بخشی از عملکرد آن خواهد بود. مساله نتیجتاً بر سر برچیدن و انحلال چنین سازمانهایی و پایان دادن به حاکمیتی است که چنین سازمانهایی را برای حفظ خود ایجاد میکنند. از این رو یک خواست ما انحلال چنین سازمانهایی است. یک جامعه آزاد و انسانی نمیتواند دارای چنین سازمانهایی باشد و در عین حال مدعی آزادی و انسانیت باشد. انحلال کلیه این سازمانها باید به یک خواست عمومی تبدیل شود. برچیدن سازمانهایی مانند سیا، ساوا، موساد، ام آی ۶ و کلیه سازمانهای جهنمی این چنینی باید به یک خواست سراسری تبدیل شود. این گوشه ای از تلاش ماست.*

شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

کمک مالی خود را میتوانید آنلاین از هر جای دنیا با مراجعه به سایت زیر (از طریق paypal) ارسال کنید. لطفاً قید کنید که کمک ارسالی شما برای کانال جدید است.
<http://www.countmein-iran.com>

سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3
account holder: IKK

آلمان:

583657502 Germany, Rosa Mai, Konto. Nr.:
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank
کانادا:

, Scotiabank Canada, ICRC
Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1 4900
Account #: 84392 00269 13

هلند:

Bank: RABOBANK, Darande hesab: FVIVN
Shomare hesab: 15 13 50 248
Adres: EINDHOVEN
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

آمریکا:

Bank of America
277 G Street, Blaine, Wa 98230
phone # 1-360-332-5711, Masoud Azarnoush
Account number: 99 - 41581083
wire: ABA routing # 026009593
swift code: BOFAUS3N

جبهه سوم،

جبهه ای علیه فاشیسم اسلامی و همه نیروهای راسیست و دست راستی!

تظاهرات دوشنبه ها در برخی شهرهای آلمان و از جمله تظاهرات ۱۰ هزار نفره در شهر درسدن در روز دوشنبه ۸ دسامبر ۲۰۱۴، نگاهها را یکبار دیگر متوجه یکی از معضلات مهم جامعه آلمان کرد.

بحث های همیشگی در مورد رشد اسلام گرایی در آلمان، ساختن مساجد و تربیت تروریستهای اسلامی و اعزام آنها به مناطق جنگی در سوریه و عراق و پیوستن صدها جوان از آلمان و اروپا به صفوف داعش، تحمیل حجاب به کودکان و دختران توسط اسلامیه ها در آلمان، فشار جریانات اسلامی و تحمیل برخی عقب نشینی ها به سیستم آموزش و یا قضاوت در آلمان، قتل ناموسی و ... و ... باعث شده است نیروهای دست راستی فضا سازی علیه خارجیها و یا حملات بیشرمانه و وحشیانه به هایم های پناهندگی و مسموم کردن فضای جامعه علیه "غیر آلمانی ها" را گسترش بدهند. تحرك جریانات اسلامی و نیروهای راستگرای آلمانی دو سوی يك معضل مهم در این کشور و به درجات در اروپا را جلوی چشم ما میگذارد. دو جریان راسیست و تبعیض گرا امروز مانع رشد و توسعه فرهنگ انسانی و مدرن شده اند.

در مقابل تعرض وحشیانه جنبش اسلامی به حقوق و حرمت مردم در کشورهای اسلام زده و در مقابل تحركات جریانات اسلامی در آلمان و همچنین در مقابل فضا سازی دست راستی ها و نتو نازیست ها در آلمان، يك جبهه سوم از مردم وجود دارند که به طرق مختلف حضور و راه حل خود را ارائه داده اند. از جمله در آلمان در مقابل تظاهرات خیابانی نیروهای دست راستی و در مقابل جریانات ارتجاعی اسلامی، مردم در برخی شهرها

میتینگهای اعتراضی از نوع سوم سازمان داده اند. بویژه در این هفته ها ما شاهد عروج يك جنبش از پایین بودیم که در پاسخ به نیروهای دست راستی مردم را سازمان داده و عملا دهها پزشك و مشاور حقوقی و وکیل و مردم مترقی و انسان دوست به پناهندگان خدمات مادی و یا كمكهای حقوقی میدهند.

این حرکت سوم هم علیه دو جریان راسیست اسلامی و ناسیونالیست افراطی آلمانی است و هم منتقد دولت آلمان و توجیهات این دولت در مورد عدم رسیدگی به وضعیت پناهجویان و یا مماشات با جریانات دست راستی و حمله نتو نازیستها به كمپهای پناهندگی و همچنین مماشات دولت با جریانات دست راستی اسلامی است.

نهاد اكس مسلم اعلام میکند که در مقابل این دو جبهه یعنی جبهه فاشیسم اسلامی و راسیسم عریان و دست راستی در اروپا، مردمی وجود دارند که نه این و نه آن را میپذیرند و دنبال يك راه حل انسانی و در مقابل این دو جریان راست برای این معضلات هستند. راه حلی که نه به میهن پرستی و ناسیونالیسم و نه به مذهب و ارتجاع عریان متوسل میشود، راه حلی که به انسانیت انسان رجوع میکند و از حقوق و حرمت همه انسانها دفاع میکند.

در مقابل راهپیمایی ده هزار نفر در درسدن اکنون احزاب رسمی در آلمان فراخوان راهپیمایی میدهند که صد البته با حضور قوی جریانات اسلامی همراه خواهد بود و ما شاهد مظلوم نمایی جنبش ارتجاعی اسلامی و سهم طلبی اینها از دولت خواهیم بود. ما خود را در مقابل همه

جریانات دست راستی اسلامی و راسیست میدانیم و در جبهه سوم پرچم آزادی و انسانیت و حقوق جهانشمول انسان را برافراشته ایم. ما در مقابل سازمانهای نتو نازیست و راسیست آلمانی و در مقابل سازمانهای دست راستی ارتجاعی اسلامی قطب سوم مردم متمدن و آزادیخواه را نمایندگی میکنیم. مردم باید هشیار باشند و اجازه ندهند جریانات دست راستی آلمانی که انزجار مردم آلمان از جریانات اسلامی را تبدیل به بهانه ای برای قدرتگیری خود کنند. مردم باید هشیار باشند و بدانند که جریانات راسیست آلمانی اکنون با فراخوان تحت عنوان مقابله با اسلامیه ها شعار مقابله با خارجیها و "مسلمانان" را سر داده و سرودهای فاشیستی زمزمه میکنند. تقابل دو جریان راست اسلامی و ناسیونالیست نباید هیچ انسان معترض و ناراضی را دچار توهم کند و به دنبال آنها بکشانند.

سازمان اكس مسلم در آلمان خود را نماینده جبهه سوم میدانند. جبهه مردم آلمان، مهاجرین و پناهندگانی که در این جامعه زندگی میکنند و معتقدند که هویت اصلی همه ما انسان بودن ما است و نه تعلق مذهبی و یا ملی!

ما جبهه سوم را نمایندگی میکنیم که معتقد است جنبش اسلامی يك جریان فاشیستی و راسیستی است که با تبلیغ ضدیت قومی و مذهبی و تبلیغ آپارتاید جنسیتی و با رادیکال کردن جوانان، به تروریسم و ارتجاع دامن میزند و باید دولت آلمان از همراهی و مماشات با این جریانات دست کشیده از كمكهای مادی و رسانه ای و ... به آنها خود داری کرده و این جریانات را در جامعه منزوی کند.

چهار میلیون مردم فراری از دست جنبش اسلامی و مهاجرین ساکن آلمان برای مسجد ساختن و حجاب بیشتر و تبلیغ این سیاستهای ضد زن و ضد انسانی به آلمان نیامده اند. آنها برای زندگی بهتر و آزادی و امنیت به اروپا آمده و این سازمانها، مساجد، ملاها، تروریست ها و سلفی ها را نمایندنده خود نمیدانند.

سازمان اكس مسلم معتقد است مادام دولت آلمان و احزاب در قدرت و یا اپوزیسیون از سیاست مماشات با جنبش اسلامی دست نکشیده و معضل را نبینند، نمیتوانند پاسخی به خشم و انزجار عمومی علیه دست اندازی سازمانهای اسلامی به سیستم آموزش و پرورش و یا دخالت اینها در زندگی مردم بدهند و ما شاهد رشد بیشتر جریانات دست راستی خواهیم بود.

راه حل این معضل، پایان دادن به مماشات با اسلامیه ها، پایان دادن به آوانس دادن به جنبش اسلامی، پایان دادن به کنفرانس اسلام و مسجد سازی و پرورش آخوند در آلمان است.

ما از همه مردم آلمان دعوت میکنیم که در مقابل این دو جبهه یعنی جنبش اسلامی و جنبش دست راستی و راسیستی به میدان آمده و با اعلام جبهه سوم، راه حل انسانی خود را ارائه دهند.

ما در آلمان به جدایی کامل

مذهب از آموزش و پرورش، به ممنوعیت حجاب کودکان، ممنوعیت برقع و مقابله با جنبش سلفی ها و اعزام تروریست به سوریه و عراق و ... احتیاج داریم. در آلمان باید دادگاههای شریعه و پلیس شریعه و ... را ممنوع کنیم. ما باید برای پناهجویان و پناهندگان سیاستهای انسانی را در پیش گرفته و از گتو سازی و جداسازی بین مردم جلوگیری کنیم. و ..

در آلمان و اروپا باید همه باهم از پرنسپ های جوامع سکولار و مدرن و انسانی دفاع کنیم. دفاع از برابری زن و مرد و زندگی مدرن و حقوق دختران و آموزش روابط جنسی و یا دفاع از برابری بین همه مردم مستقل از مذهب و نژاد و ملیت، فرهنگ دفاع از حقوق انسانی است و باید برای همه مردم لازم الاجرا باشد.

شورای مرکزی اكس مسلم از همگان دعوت میکند به تقویت و بروز علنی جبهه سوم یاری رسانند.

جبهه سوم، جبهه ای علیه فاشیسم اسلامی و همه نیروهای راسیست و دست راستی است!

شورای مرکزی اكس مسلم
آلمان

۱۱ دسامبر ۲۰۱۴

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر این شماره: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود